

مهدی زادگان قبل از تشکیل جهاد، سابقه کارهای عمرانی را در کنار دیگر دوستانش در حزب جمهوری داشته و از جمله افرادی است که نزد امام می‌روند و خواستار نگاه ویژه به روستاهای می‌شوند. خواسته‌ای که به فرمان امام برای تشکیل جهاد سازندگی در خرداد 57 منجر می‌شود.



## نذرمی کردند بیايند جهاد

گفتگو با سيد خليل مهدي زادگان

### ماشين‌هاى اوراق

ابتدای تشکیل جهاد، دولت بازرگان خیلی ما را جدی نمی‌گرفت و وسیله نقلیه برای رفتن به روستاها نمی‌داد. برای حل این مشکل به مدیران اداره‌ها می‌گفتم ماشین‌های از رده خارج‌شان را در اختیار ما قرار دهند. آنها هم از خدا خواسته می‌دادند، چون مصوبه‌ای داشتند که اگر ماشین‌های اسقاطی را به جایی می‌دادند عوض ماشین نو می‌گرفتند. معمولاً هم جیب و لندرو بود. ما هم آن ماشین‌های اسقاطی و اوراق را می‌دادیم به بچه‌های انقلابی که تعمیرگاه داشتند و می‌گفتم مثلاً دو تا ماشین را یکی کن! یا بعضی قطعات را عوض یا تعمیر کن.

به مدیران اداره‌ها می‌گفتم ماشین‌های از رده خارج‌شان را در اختیار ما قرار دهند! آنها هم از خدا خواسته می‌دادند. ما هم آن ماشین‌های اسقاطی و اوراق را می‌دادیم به بچه‌های انقلابی که تعمیرگاه داشتند و می‌گفتم مثلاً دو تا ماشین را یکی کن

### روستای گنداب

من مسئول آبرسانی به روستاهای خراسان بودم. بودجه را که از بالا می‌گرفتیم، در هر شهرستان با توجه به نیاز، چند روستا را در اولویت می‌گذاشتیم. روستایی بود به نام گنداب. در فاصله 30 تا 35 کیلومتری مشهد. آبی که این‌ها مصرف می‌کردند بوی گند می‌داد. وضعیت اسفناکی داشت. ما آن‌جا چند تانکر گذاشتیم و آب را از چشمه‌ای که از روستا فاصله داشت با لوله کشی تا داخل روستا آوردیم. وقتی آب را به روستا آوردیم، بچه‌های کوچک زیر شیر آب بازی می‌کردند.

### نذر می‌کردند

یکی از موارد جالب در جهاد افرادی بودند که نذر می‌کردند چند ماه در جهاد کار کنند یا مثلاً کارهای مکانیکی و نجاری جهاد را به عهده بگیرند. بعضی هم نذر داشتند چند ماهی ماشین‌شان را در اختیار ما قرار بدهند. من خودم اول قرار بود دو ماه در جهاد بمانم، بعد شد شش ماه و بعد هم که ادامه پیدا کرد. هر کسی به شکلی کمک می‌کرد. وقتی به روستایی می‌رفتیم برای دروی گندم و کار تا شب طول می‌کشید مردم روستا برای آن‌هایی که آمده بودند ساندویچ درست می‌کردند و به عنوان شام به آن‌ها می‌دادند.

66

فرهنگ



سيد محمد طباطبائي از روزهای نخست تشكيل جهاد سازندگی می‌گوید

## احیای قنات به جای واردات موتور پمپ

■ حسن سلطانی

دکتر سيد محمد طباطبائي در زمان صدور فرمان امام مبنی بر تشكيل جهاد سازندگی، فارغ التحصيل زمین‌شناسی از دانشگاه تهران بوده و با توجه به رشته‌اش می‌شود مسئول بخش قنات جهاد. با او درباره روزهای شکل‌گیری جهاد در استان خراسان به گفتگو نشستیم. روزهایی که حمایت از تولید ملی را به خوبی معنا می‌کنند.

### پنیر بلغاری، مرغ فرانسوی

مختلف هم به جمع ما اضافه می‌شدند. چون آن‌ها هم به نوعی خود را مخاطب فرمان حضرت امام می‌دیدند. بحث و بررسی ما در کمیته‌های تخصصی خلاصه نمی‌شد. علاوه بر آن به روستاها هم سر می‌زدیم تا به نتیجه درستی برای انجام خدمات در روستاها برسیم. دروی گندم که شروع می‌شد مردم خودشان تربلی و کامیون می‌آوردند. ما هم از ادارات مختلف ماشین‌های از رده خارج‌شان را می‌گرفتیم. از زن و مرد و پیر و جوان سوار می‌شدند و می‌رفتند برای کمک به دروی گندم کشاورزان. در فصل برداشت هر روز برنامه اعزام داشتیم و آهسته آهسته کمیته اعزام برای درو هم شکل گرفت.

### تولید فکر داخلی در نبود کالای خارجی

بعد از انقلاب تأمین قطعات موتور پمپ و لوازم دیگر چاه‌های عمیق خیلی سخت بود. چرا که خارجی بود و سخت پیدا می‌شد. هزینه‌اش هم بالا بود. در نتیجه با مهندس نگهبان مطالعاتی را انجام دادیم. در پی راهکاری بودیم که در این زمینه وابستگی ما به خارج را کمتر کند. سیستم قنات

شبانه روزی کار می‌کردیم و اضافه کاری و کارمندی اصلاً مطرح نبود. اگر به شهرستان می‌رفتیم شاید دو یا سه روز به خانه نمی‌آمدیم. اگر هم در شهرستان نبودیم از صبح تا آخر شب کار می‌کردیم و زمانی که تاریکی می‌شد به خانه برمی‌گشتیم.

که سابقه چندین هزار ساله در کشور دارد را برای این مسئله مناسب دیدیم. یک گروه از بچه‌های دانشکده کشاورزی مأمور اندازه گیری تلفات آب در این کانال‌ها شدند و به این نتیجه رسیدند که مثلاً 10 لیتر آب داخل کانال؛ یک کیلومتر آن

قبل از خرداد 58 و فرمان حضرت امام مبنی بر تشکیل جهاد، تعدادی از دوستان دفتري را در دانشکده پزشکی -خیابان دانشگاه- راه انداخته بودند برای ثبت نام جهت کمک به بازسازی روستاها. چرا که روستا، کشاورزی و تولید ملی ما قبل از انقلاب به شدت مورد بی‌مهری رژیم قرار گرفته بود. بیشتر محصولات وارداتی بود. مثلاً پنیر که کوپنی هم بود بیشتر بلغاری و هلندی بود و مرغ یخ زده از فرانسه وارد می‌شد. البته در روستاها تولید داشتیم ولی کم بود و به آن توجه نمی‌شد.

بعد از فرمان امام؛ بچه‌ها سالن پیشاهنگی هلال احمر را که آن زمان شیر و خورشید نام داشت گرفتند و هسته اولیه جهاد شکل گرفت. پنج- شش کمیته تخصصی هم راه انداختند. بهداشت و درمان، فرهنگی، کشاورزی، عمران و امور شهرستان‌ها از کمیته‌های اصلی بودند. اکثر بچه‌ها دانشجوی بودند. فارغ التحصيل و کارشناس خیلی کم بود.

### بسیج همگانی برای درو

من شدم مسئول بخش قنات چون از رشته زمین‌شناسی درباره آب‌های زیر زمینی اطلاعاتی داشتم. در آن بخش تلاش‌مان

بر این بود که قنات روستاها را احیاء کنیم تا آب کشاورزی و شرب آن‌ها تأمین شود. به هر حال هر کس با توجه به تخصصی که داشت در قسمتی از کمیته‌ها مشغول می‌شد. عمده فعالیت‌ها دانشجویی بود اما کارمندان از ادارات